

An Analytical Approach to Reason for Hierarchy and Obedience in Military Training

Sadegh Rezaie¹ – Ruhollah Karimi Khoygani²

Abstract

Background and objectives: One way to find out the truth of objects and phenomena is to "ask questions" and people ask questions to resolve their doubts, but this gap in the field of military training for several years has caused learners not to find answers to their questions. The present study was conducted with the aim of an analytical approach to the reasons for hierarchy and obedience in military training.

Methodology: The research method is descriptive-analytical and it is of a qualitative content analysis type. The statistical population included 16 elites and veterans of the Armed Forces who were selected by snowball sampling method. Research data were collected using structured interviews including 17 questions on the reasons for hierarchy and obedience.

Findings: Based on the research findings and after analyzing the interviews and using different sources and texts, in the form of key content and main propositions, the reasons for each of these trainings was explained in detail. The philosophy and reasons for hierarchy and obedience in military trainings can be categorized in twelve classes, including coordination with Islamic standards, inferior and superior behavior, competency training, executive direction of commands and orders, maintaining the power and efficiency of the unit, the possibility of commanders' supervision, distinguishing the position and responsibility of individuals, the field of orderliness and order expectancy, accountability system and doing the duties, power axis and the fulcrum of forces and the bedrock of the growth and excellence of forces.

Results: Knowing the reasons for military training not only does not damage its basis and authenticity, but explaining it makes it possible for students and learners to believe in it as a millennial human experience. In addition, the results include theoretical and practical achievements in the field of training and education of the Armed Forces of the Islamic Republic of Iran.

Keywords: Philosophy, Education, Hierarchy, Obedience, Military.

1 Assistant Professor in Philosophy of Education, Department of Educational Sciences, Amin Police University, Tehran, Iran (Corresponding Author). Email: sadeghrezaee61@gmail.com

2 Assistant Professor in Philosophy of Education, Department of Educational Sciences, Amin Police University, Tehran, Iran.

فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، سال بیست و دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۹

صص ۲۰۳-۱۷۵

نگرشی تحلیلی به چرایی سلسله‌مراتب و اطاعت‌پذیری در آموزش‌های نظامی

صادق رضایی^۱، روح اله کریمی خویگانی^۲

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۵/۱۴ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۸/۲۵

چکیده

زمینه و هدف: یکی از راه‌های پی بردن به حقیقت اشیاء و پدیده‌ها، «طرح سؤال» است و انسان برای برطرف کردن شک خود از آن سؤال می‌کند ولیکن این خلأ چندین ساله در حوزه آموزش‌های نظامی سبب گردیده است تا فراگیران پاسخی برای سؤالات خود پیدا نکنند. پژوهش حاضر با هدف نگرش تحلیلی چرایی سلسله‌مراتب و اطاعت‌پذیری در آموزش‌های نظامی انجام شده است.

روش: روش پژوهش توصیفی تحلیلی از نوع تحلیل محتوای کیفی است. جامعه آماری مورد نظر شامل تعداد ۱۶ نفر از نخبگان و پیش‌کسوتان نیروهای مسلح بوده که با روش نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب گردیدند. جمع‌آوری داده‌های تحقیق با استفاده از مصاحبه ساختار یافته شامل تعداد ۱۷ سؤال در مورد چرایی سلسله‌مراتب و اطاعت‌پذیری انجام شده است.

یافته‌ها: بر اساس یافته‌های پژوهش و پس از تحلیل مصاحبه‌ها و بهره‌گیری از منابع و متون مختلف، در قالب محتوای کلیدی و گزاره‌های اصلی، چرایی هریک از این آموزش‌ها به طور مفصل تبیین گردید فلسفه و چرایی سلسله‌مراتب و اطاعت‌پذیری در آموزش‌های نظامی در دوازده طبقه شامل: هماهنگی با موازین اسلامی، سلوک مادون و مافوق، تمرین شایستگی، مسیر اجرایی فرمان‌ها و دستورات، حفظ توان و کارایی یگان، امکان نظارت فرماندهان، تمایز بین جایگاه و مسئولیت افراد، زمینه نظم خواهی و نظم‌پذیری، نظام پاسخگویی و انجام وظیفه، محور قدرت و تکیه‌گاه نیروها و بستر ساز رشد و تعالی نیروها قابل دسته‌بندی است.

نتیجه‌گیری: اطلاع از چرایی آموزش‌های نظامی نه تنها به مبنا بودن و اصالت آن‌ها لطمه‌ای وارد نمی‌کند بلکه تبیین آن‌ها امکانی را فراهم می‌سازد تا باورپذیری به این آموزش‌ها به عنوان تجارب چندین هزارساله بشری برای دانشجویان و فراگیران محقق شود. علاوه بر این نتایج حاصله در بردارنده دستاوردهای نظری و کاربردی در حوزه تربیت و آموزش نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران است.

کلیدواژه‌ها: فلسفه، آموزش، سلسله‌مراتب، اطاعت‌پذیری، نظامی.

۱ استادیار فلسفه تعلیم و تربیت، گروه علوم تربیتی دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران. نویسنده مسئول

(ایمیل: sadeghrezae61@gmail.com)

۲ استادیار فلسفه تعلیم و تربیت، گروه علوم تربیتی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران.

مقدمه

سیستم تعلیم و تربیت نظامی و آموزش‌های جاری حاکم بر آن از فلسفه‌ای غنی و عقلایی نشأت می‌گیرد. به عبارت دیگر در هر تار مویش، پیچشی نهفته است که برای کشف و صدق آن باید به استدلال و برهان پناه برد جستجوی «چرائی‌ها» و اقامه دلیل برای پدیده‌ها حتی در اصول دین اسلام واجب شمرده شده و این راهبردی اساسی در زندگی بشر به شمار می‌رود. اصول دین باید بر اساس تعقل و تفکر و استدلال باشد؛ زیرا اصول دین زیربنای فکری مسلمان را تشکیل می‌دهد. باید زیربنا، مبتنی بر تفکر باشد. بر همین اساس خداشناسی تبعیدی نیست، بلکه خدا باوری و معاد شناسی، بر اساس منطق و عقل و استدلال می‌باشد. در آیات متعددی از قرآن، خداوند انسان‌ها را دعوت به تفکر کرده حتی به آن فرمان می‌دهد. مهم‌ترین موضوع تفکر اصول و پایه‌های اصلی دین است. خداوند انسان را به تفکر در نظام آفرینش فراخوانده است تا با تعقل پی به اثبات خدا پی ببرد. در اولین اصل هر رساله‌ای این مضمون قید شده است: «عقیده مسلمان به اصول دین باید از روی دلیل باشد، ولی در احکام غیر ضروری دین باید یا مجتهد باشد که بتواند احکام را از روی دلیل به دست آورد، یا از مجتهد تقلید کند، یعنی به دستور او رفتار نماید، یا از راه احتیاط طوری به وظیفه خود عمل نماید که یقین کند تکلیف خود را انجام داده است» (توضیح المسائل مراجع، ۱۳۸۶: ۱۳).

از طرفی «فلسفه» به عنوان بخشی از اندیشه بشری که به دنبال چستی پدیده‌ها است، قدمت دیرینه‌ای در تاریخ اندیشه ورزی انسان دارد و شاید چندان دور از واقع نباشد که فلسفه را نخستین صورت از صور تفکر انسان بدانیم، چرا که سؤال از چستی پدیده‌ها، مبدأ اندیشه ورزی انسان به شمار می‌رود. پرسش از چستی پدیده‌ها در هر حوزه‌ای از رفتار بشری مصداق پیدا می‌کند. از همین رو، با اقسام مختلفی از فلسفه نظیر فلسفه

سیاست، فلسفه اخلاق، فلسفه حقوق، فلسفه نظامی یا همان فلسفه جنگ و صلح و... مواجه هستیم. مثلاً فلسفه نظامی نوع یا شکلی از اندیشه نظامی است که مبتنی بر یک منظومه فلسفی و جهان‌شناسی خاص می‌باشد که به دنبال کشف حقیقت در حوزه امور نظامی است (جمشیدی، ۱۳۸۳: ۳۰). در زندگی‌نامه رنه دکارت^۱ (۱۵۹۶ م) فیلسوف فرانسوی که از او به عنوان بزرگ‌ترین فیلسوف عصر رنسانس یاد می‌شود، آمده است: ...مدتی به علم حقوق و پزشکی مشغول گردید، اما در نهایت تصمیم گرفت به جهانگردی پرداخته و آن‌گونه دانشی را که برای زندگی سودمند باشد فرا بگیرد. به همین منظور مدتی به خدمت ارتش هلند درآمد؛ چرا که فرماندهی آن را شاهزاده‌ای به نام موریس بر عهده داشت که در فنون جنگ و نیز فلسفه و علوم، مهارتی به سزا داشت و بسیاری از اشراف فرانسه دوست داشتند تحت فرمان او فنون رزمی را یاد بگیرند. دکارت در مدتی که در قشون ارتش هلند بود به علم مورد علاقه خود یعنی ریاضیات می‌پرداخت (پور اسماعیل نیازی و اسعدی، ۱۳۹۳، ج ۳: ۶۹).

کمت‌ر کسی است که در سیستم‌های نظامی جمله «نظام چرا ندارد» را نشنیده باشد. این جمله آن‌قدر ایهام دارد که بتوان هم در اثبات آن سطرها مطلب نوشت و هم در رد آن! بُعد منفی این عبارت این است که پیشه نظامی‌گری از یک فرهنگ سازمانی پیروی می‌کند که در آن مادون موظف است بدون آگاهی و بینش از مافوق خود تبعیت کند و مافوق نیز هیچ رسالتی نسبت به تبیین دستورات صادر شده برای مادون ندارد. سیستمی با ماهیت خود کامگی^۲ که عقلانیتی بر آموزش‌ها، دستورات، تدابیر و مأموریت‌های تعریف‌شده‌ی آن حاکم نیست و همچون حکومت‌های توتالیتری^۳ از فرهنگ فاشیستی بهره می‌برد و خود را ملزم به پاسخگویی در مقابل «چراها» نمی‌داند

1. Rene Descartes

2. Despotism

3. Totalitaire

اما بُعد مثبت عبارت یاد شده این گونه قابل توجیه است که نظامی‌گری آن‌چنان، حساب شده و دقیق است و آموزش‌ها، دستورات، تدابیر و مأموریت‌های تعریف‌شده‌ی آن از عقلانیتی برخوردار است که به اصطلاح، مولای درز آن نمی‌رود و هیچ خلل و نقصانی متوجه آن نیست. مافوق تمام جوانب کار را سنجیده و با یک اشراف اطلاعاتی کامل اقدام به صدور دستور می‌کند و جای هیچ‌گونه سؤال و تردیدی را باقی نمی‌گذارد.

اگر یک دانشجوی دانشگاه افسری یا فراگیر مراکز درجه‌داری، از چرایی و فلسفه آموزش‌هایی که به او ارائه می‌گردد مطلع باشد؛ مسیر و فرایند دریافت، یادگیری و به خاطر سپاری وی تسهیل‌تر می‌شود و برعکس، اگر او نداند که این آموزش‌ها را برای چه فرامی‌گیرد و هدف از ارائه آنان برایش مبهم باشد، دچار تردید می‌شود و این تردید موجب می‌شود وی اهتمام لازم را نسبت به فراگیری آموزش‌ها نشان ندهد.

امام علی علیه‌السلام در عبارتی بسیار عمیق و پرمعنا سیستم تعلیم و تربیت نظامی را با دو واژه «سیف» و «بصائر» ملازم می‌داند و می‌فرماید: «حَمَلُوا بَصَائِرَهُمْ عَلٰی اَسْيَافِهِمْ؛ همانا بصیرت‌ها و اندیشه‌های روشن و حساب شده خود را بر شمشیرهای خود حمل می‌کردند»^۱ و این بدان معنا است که شمشیر که نماد سخت‌افزاری یک سیستم نظامی است، آنگاه ارزشمند است که بر «بصیرت» استوار باشد و بصیرت، نیازمند «تبیین» است و همین شمشیر اگر بر منطق بصیرت استوار نباشد، بی‌تردید چونان تیغی است، در دست زنگی مست که ممکن است صاحب شمشیر را به نابودی و تباهی بکشاند. یکی از انواع آموزش‌های تعلیم و تربیت نظامی آشنایی با سلسله‌مراتب و اطاعت‌پذیری است که در واقع می‌توان از آن به عنوان مهم‌ترین رکن نظم و انضباط یاد کرد.

اولین آموزش‌های نظامی با تبیین واژه و مفهوم «سلسله‌مراتب»^۲ شروع می‌گردد.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۱

سلسله‌مراتب، گونه‌ای از چیدمان اجزا (اشیاء، نام‌ها، ارزش‌ها، طبقه‌بندی‌ها و...) است که در آن هر کدام از اجزا به شکل «بالا»، «پایین» و یا «هم‌سطح» اجزای دیگر نمایش داده می‌شوند. آشنایی با سلسله‌مراتب فرماندهی و اطاعت از آن، اساسی‌ترین و مهم‌ترین تکنیک سازمانی است که نظامیان استفاده می‌کنند و در آن با ابلاغ فرمان‌ها و دستورات از مافوق به زیردست، مقاصد فرماندهی اعمال می‌گردد. اصل سلسله‌مراتب، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران از بالاترین مقام تا پایین‌ترین رده به وسیله فرماندهان، رؤسا یا مدیران که از طرف مقام معظم فرماندهی کل قوا، فرماندهی یا ریاست یا مدیریت دارند، مانند حلقه‌های زنجیر به هم پیوسته هستند که در اصطلاح آن را سلسله‌مراتب می‌گویند (آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح ماده ۲). ترتیب منظم پست‌ها در یک سازمان به نحوی که هر چه به سمت بالا برویم میزان مسئولیت‌ها و اختیارات افزایش یابد، بر مبنای این اصل است که ساختار هرمی شکل سازمان‌ها پدید می‌آید (زاهدی، ۱۳۷۶: ۱۵۱). بنابراین محققین در پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش اساسی هستند که تحلیل چرایی سلسله‌مراتب و اطاعت‌پذیری در آموزش‌های نظامی چیست؟

مبانی نظری پژوهش

پیشینه سلسله‌مراتب را می‌توان در آثار ارسطو یافت. او معتقد بود که آموزش‌های نظامیان باید بر اساس سلسله‌مراتب باشد؛ یعنی هر فرد فرودست، باید از فرادست خود بیاموزد تا به تدریج شایستگی قرار گرفتن در جای او را بیابد: «... فرمانده گروه سوارکاران باید اول خود زیر فرمان سردار دیگر خدمت کرده باشد یا فرمانده پیاده‌نظام باید قبلاً سرهنگ یا سرجوخه باشد...» (ارسطو، ۱۳۶۲: ۱۱۱ به نقل از جمشیدی، ۱۳۸۳: ۲۶۷).

در کتاب «راهنمای افسران ارتش ایالات متحده امریکا» آمده است که: «در سلسله‌مراتب فرماندهی زمینه‌ی انتخاب کانال‌های مناسب از سوی فرماندهان برای

صدور فرمان‌ها و دستورات باید مدنظر قرار گیرد و نیز برای حفظ توان و کارایی یک یگان ارتش، از دیرباز بهره‌گیری مداوم و مستمر از سلسله مراتب فرماندهی امری حیاتی تلقی می‌گردد» (لارنس، ۱۳۹۵: ۴۰۰). او همچنین معتقد است: هر افسر در مقابل افسر بالادست که در واقع مسئولیت طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل گزارش‌های ارزیابی او را به عهده دارد، مسئول است. در سلسله مراتب فرماندهی باز هم مقامات بالاتری هستند. به علاوه هر افسر به طور معمول همکارانی دارد که مأموریت‌های مشابهی را برای همان رئیس یا فرمانده انجام می‌دهند و او نیز باید با آن‌ها همکاری و تشریک مساعی مؤثر بنماید. یک افسر مسئول اجرای مأموریت‌هایی است که به وسیله فرمانده بلافضل او (زن یا مرد) به او واگذار شده است (لارنس، ۱۳۹۵: ۶۵).

نظام سلسله مراتبی فقط مربوط به انسان‌ها نیست و به وفور می‌توان در زندگی حیوانات و جانوران دیگر آن را مشاهده کرد. اشجل دراپ^۱ که نمونه‌ی غالباً مورد استنادی از سلسله مراتب را در بین جوجه مرغ‌ها مورد مطالعه قرار داده، دریافته است که چنین ساختارهای اجتماعی‌ای، به واسطه‌ی کاهش دادن ستیز میان گروه‌های پرندگان، موجب اثبات‌تر شدن گروه‌های جمعیتی آنان شده است و از طرفی این گونه نیست که همه آدمیان به سلسله مراتب اعتقاد داشته باشند. گروهی با دیدگاه آنارشستی و هرج و مرج طلبی با هدف ضدیت با صاحبان قدرت یا سازمان سلسله مراتبی، از جمله ضدیت با سیستم حاکم، طرفدار جوامع بدون حکومت با روابط آزاد و فاقد سلسله مراتب هستند (دانشنامه پلیس، ۱۳۹۳).

تاریخچه سلسله مراتب

مبانی نظری و شواهد گوناگونی وجود دارد که این مقوله را به رسمیت بشناسد؛ مثلاً لغویان بر این باورند واژه «شُرطه» که از شَرَط به معنای علامت گرفته شده است، به

نوعی تمایز بین جایگاه افراد را تفهیم می‌کرده است، لذا در تعریف این واژه آورده‌اند: ... و گزیدگان سپاه را از آن سبب شُرطَه خوانده‌اند که آنان خود را با علامت‌هایی ممتاز ساخته بودند تا با آن شناخته شوند (جمعی از مترجمان، ۱۳۶۰، ج ۲۳: ۶۴) و این مطلب حاکی از آن است که در زمان امیرالمؤمنین علیه‌السلام نیز سلسله‌مراتب نظامیان را به وسیله علائمی قراردادی که مربوط به عصر خود بوده است از یکدیگر متمایز می‌شدند.

در نهج‌البلاغه که بهترین منبعی است که می‌توان اندیشه‌های نظامی امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام را در آن دنبال کرد، دستورالعملی را می‌بینیم که امام به دو تن از امیران لشکر، زیاد بن نضر و شریح بن هانی ابلاغ فرمودند؛ وَقَدْ أَمَرْتُ عَلَيْكُمَا وَعَلَى مَنْ فِي حَيْزِكُمَا مَالِكُ بْنُ الْحَارِثِ الْأَشْتَرِ فَاسْمَعَا لَهُ وَأَطِيعَا وَاجْعَلَاهُ دِرْعَاً وَمِجَنًّا فَإِنَّهُ مِمَّنْ لَّا يُخَافُ وَهِنَّهُ وَ لَّا سَقَطَتْهُ وَ لَّا بُطُؤُهُ عَمَّا الْإِسْرَاعُ إِلَيْهِ أَحْزَمٌ وَ لَّا إِسْرَاعُهُ إِلَيَّ مَّا الْبُطْءُ عَنْهُ أَمْثَلُ؛ من «مالک اشتر پسر حارث» را بر شما و سپاهیان‌تان که تحت امر شما هستید، فرماندهی دادم. گفته او را بشنوید و از فرمان او اطاعت کنید، او را همچون زره و سپر نگهبان خود برگزینید، زیرا که مالک، نه سستی به خرج داده و نه دچار لغزش می‌شود. نه در آنجایی که شتاب لازم است کندی دارد و نه آنجا که کندی پسندیده است شتاب می‌گیرد (دشتی، ۱۳۸۰، نامه ۱۳: ۴۹۳).

بهشتی در شرح عبارت فوق چنین آورده است: اگر در مکتب تشیع نیک بیندیشیم، متوجه می‌شویم که اطاعت از اولی الامر که خود دارای سلسله‌مراتب طولی است و مقام والای امامت، در رأس آن سلسله قرار دارد- آخرین مرحله‌ای است که رهروان آن مکتب باید به آن نائل شوند. نخستین مرحله، معرفت است، پس از آن نوبت به محبت می‌رسد و از آن پس ولایت است. ولایت به معنای رهبری است، نسبت میان محبت و ولایت، عموم و خصوص مطلق است، هر کس اهل ولایت است، اهل محبت

است، ولی هرکس اهل محبت است، لزوماً اهل ولایت نیست، پایان همهٔ مراحل، اطاعت است، آن هم اطاعت مطلق و بدون چون و چرا و دغدغه و وسوسه (بهشتی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۴۱۶).

حضرت امام خمینی (ره) با تأکید بر سلسله‌مراتب فرماندهی در سیستم نظامی گری جمهوری اسلامی فرمودند:

همه موظف‌اند سلسله‌مراتب را حفظ کنند، بزرگ‌ترها، صاحب منصب‌ها و افسرهای ارشد موظف‌اند که با سایر طبقات به طور سلامت رفتار بکنند و گمان نکنند سربازان، که حالا که انقلاب شد ما باید اطاعت نکنیم^۱

و البته در جای دیگر اشاره نمودند که انگیزه رعایت سلسله‌مراتب باید خدا باشد: باید نظم و نظام باشد. شما باید برای خدا مراتب و سلسله‌مراتب را حفظ کنید؛ و اگر بنا باشد هر کسی خودش رأی بدهد و علی‌حده عمل بکند، آن وقت است که معنویات و موفقیت‌های عادی هم از بین می‌رود؛ و شما می‌دانید با آنکه پیغمبر اکرم در مسجد می‌نشست و کسی که وارد می‌شد نمی‌دانست که کدام یک از آن‌ها پیغمبر است، با این حال، همه مأمور اطاعت از او بودند. ما همه باهم برادر هستیم، لکن اگر نظام نباشد، برادری هم به هم می‌خورد؛ مثلاً، اگر در جنگ بنا باشد از فرماندهی اطاعت نشود، مسلماً شکست خواهیم خورد. در جنگ، آن وقتی شکست نیست که همه گوش به فرمان کسی باشند که وقتی نقشه و فرمان می‌دهند همگی به آن عمل کنند: وَ ذَكَرْ فَإِنَّ الذُّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ (ذاریات: ۵۵).

مقام معظم رهبری نیز با تأیید سلسله‌مراتب می‌فرمایند: نظم و سلسله‌مراتب و رعایت فرماندهی و وحدت و تمکّن و اقتدار و دستور فرماندهی، یکی از کارهای لازم است

که باید انجام بگیرد.^۱

ایشان جملات حضرت امام (ره) را یادآوری می‌نمایند که:

آن بزرگوار { امام ره }، سلسله مراتب را با همین کلمه تکرار می‌کرد... و می‌فرمود که سلسله مراتب را حفظ کنید. این یعنی هر فرد در هر جا که قرار گرفته، نظم‌پذیری او این طوری باشد که به زیردست خود، از روی فرماندهی، قاطعانه فرمان بدهد و از مافوق خود، فرمان پذیر باشد و آن را عمل کند و عمل به فرمان خودش را در چارچوب ضوابط از زیردست بخواهد^۲ و تأکید می‌کنند که: در نظام فرماندهی اسلامی، باید سلسله مراتب دقیق و با خاطر جمعی به اینکه از ناحیه فرمانده، کاری برخلاف حق انجام نمی‌گیرد و با ترجیح تشخیص او بر تشخیص خود و بیشتر احتمال خطا دادن در خود تا در او، باشد.^۳

البته با این تفاوت که در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی سلسله مراتب در مسیر طاعت الهی معنا می‌یابد:

بر این اساس، سلسله مراتب فرماندهی و به طور کلی فرماندهی و فرمانبری در مسیر طاعت الهی معنی و مفهوم واقعی می‌یابد و اگر نیروهای مسلح از فرمانی هم اطاعت می‌کنند، با الهام از دستور دین و ایمان قلبی آن‌هاست؛ (که در نتیجه) این، برای یک ملت افتخار است؛ این، یک ملت را پولادین می‌کند؛ این، یک کشور را از یک امنیت مستقر واقعی برخوردار می‌کند^۴

نکته دیگری که در موضوع سلسله مراتب نظامی قابل پرداختن است مسئله سن و سال

۱. بیانات در تاریخ ۱۳۶۸/۰۸/۲۹

۲. بیانات در تاریخ ۱۳۶۹/۱۰/۲۹

۳. بیانات در تاریخ ۱۳۶۹/۰۶/۲۹

۴. بیانات در تاریخ ۱۳۸۵/۰۸/۲۰

است. چه بسا در تاریخ صدر اسلام در سیره معصومین علیهم‌السلام دیده می‌شود که بر اساس شایستگی و لیاقت و توانمندی افراد، رأس سلسله‌مراتب فرماندهی تعیین می‌شد و دیگران به تبعیت از او سفارش و فرمان داده می‌شدند:

پیامبر اکرم (ص) پس از بازگشت از حجه الوداع سپاهی از انصار و مهاجر که در آن افراد سرشناسی؛ مانند ابوبکر و عمر و ابو عبیده و سعد وقاص شرکت داشتند، ترتیب داد و با دست خود پرچمی برای اسامه بست و به او دستور داد: «به نام خدا و در راه خدا نبرد کن» (ابن بی‌الحدید ۱۴۰۴، ج ۱: ۱۵۹).

فردای آن روز پیامبر خدا در بستر بیماری افتاد. در اثناء بیماری آگاه شد که در حرکت سپاه از لشکرگاه با کارشکنی‌هایی مواجه شده است. از این جریان سخت ناراحت شد؛ بالای منبر رفت و فرمود: «ای مردم من از تأخیر حرکت سپاه ناراحت هستم. گویا فرماندهی اسامه بر گروهی از شماها گران آمده و زبان به انتقاد گشوده‌اید؛ ولی سرپیچی شما تازگی ندارد. پیش از این، از فرماندهی پدر او نیز انتقاد می‌کردید. به خدا سوگند هم پدر او شایسته این منصب بود و هم فرزندش لایق این منصب است...» (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۷۱).

در دیدگاه الهیون خداوند در رأس سلسله‌مراتب نظام هستی قرار دارد و مافوقی بر او متصور نیست، لیکن بقیه مراتب به نوعی مافوق دارند و هیچ‌کس را از این امر گریزی نیست.

سلسله مراتب مدیریت در نظام خدا محور	
مستندات	سطوح مدیریت
والله فوق من وَاَلاک	الله
و والی المر علیک فوق	مافوق
	مدیر
فانک فوقهم	مردم

نمودار ۱- سلسله مراتب مدیریت در نظام خدامحور (امیری، ۱۳۹۵: ۲۷)

همان‌طور که در نمودار (۱) اشاره شد در سلسله مراتب مدیریت خداوند متعال در رأس قرار دارد. امام علی علیه السلام در بخشی از فراز ششم، عناصر اصلی این سلسله مراتب را تشریح می‌کند و فلسفه وجودی قرار گرفتن افراد را در چنین رابطه عمودی، بر اساس اختیار بشر، آزمایش و امتحان تلقی کرده است؛ امتحان نیازمند مواد امتحانی است؛ مواد امتحانی در اینجا همان تحول سلوک فرد با افراد مافوق و مادون خود است که باید در چارچوب ضوابط و قواعدی که برای او ترسیم شده صورت بگیرد؛ امام این نکته را یادآور می‌شود که هر کس بر گروهی حکومت می‌کند، در حد خود تحت حکومت دیگری قرار دارد؛ ای مالک اگر تو بر مصر حکومت می‌کنی، توجه داشته باش، من هم حاکم بر تو و مراقب اعمال هستم و اگر من بر تو حکومت می‌کنم، باید مراقب باشم که خداوند حاکم بر ماست (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۵، ج ۱۱: ۱۱۰).

جایگاه فرماندهی در سلسله مراتب

از دیدگاه اسلام، ضرورت فرماندهی تا آنجا است که اگر گروهی قصد مسافرت

داشته باشند، در حالی که تعدادشان از سه نفر هم بیش تر نباشد، باید یکی از آن سه را به عنوان فرمانده برگزینند تا روح نظم و انضباط را بر اجتماع خود حاکم گردانند و کارها در پناه نظارت و هماهنگی فرمانده به نتیجه‌ای مطلوب برسد.

وقتی فارابی از مدینه فاضله سخن به میان آورد، یک رکن این مدینه فاضله را ضرورت حضور یک «رئیس» یا «فرمانده» دانست. وی برای اثبات این مطلب، به قیاس «مدینه» با «بدن» روی آورد. درست همان‌طور که «هرگاه که وجود اول یافت شود، ضرورت دارد که از او سایر موجودات طبیعی خارج از اراده و اختیار انسان، نیز به وجود آید» و آن موجودات طبیعی ذیل سلسله‌مراتب وجودی او قرار گیرند و درست همان‌سان که قلب بر همه اعضاء ریاست دارد، در مدینه نیز با حضور رئیس، همه اعضاء مدینه تحت خدمت او هستند؛ با این تفاوت که در مدینه فاضله، رئیس، خادم هیچ کس نیست، اما در مدینه‌های غیر فاضله، رئیس اگر چه دیگران را به اطاعت و بردگی وامی‌دارد، اما در خدمت آنان و هدفشان از اجتماع است. بر اساس همین قیاس و با در نظر داشتن مؤلفه‌های تشکیل مدینه، فارابی برای ریاست مدینه نیز همان ویژگی‌های دوگانه را در نظر دارد: رئیس در مدینه هم کارش تألیف است (که شبیه ویژگی جلب‌کنندگی قلب در بدن) و هم کارش تدبیر است (که شبیه ویژگی تنظیم اعضاء توسط قلب است). رئیس در هر مدینه کسی است که کار اصلی او هماهنگی جهت تحقق غایات و منافع عمومی است (بحرانی، ۱۳۹۴: ۳۳۵).

فرمانده در ادبیات دینی و اسلامی، معادل کلمه «امیر» است. امیر به معنی اخص کلمه بر کسی اطلاق می‌شود که وظیفه تأدیب و حتی رام کردن مردم را به عهده داشته باشد. گفته‌اند، جمله «أَمِرَ الْقَوْمِ» یعنی آن قوم زیاد شدند، زیرا وقتی گروهی تعدادشان افزون شد دارای امیر و سرپرست می‌شوند، چرا که ناگزیرند سیاستمداری داشته باشند تا آن‌ها را اداره کند، از این روی شاعر عرب می‌گوید:

لا يصلح النَّاسُ فَوْضَى لَا سِرَاةَ لَهُمْ و لا سراة اذا جهالهم سادوا

مردمی که سرپرست (فرمانده) ندارند، هرج و مرج و سرگردانی آن‌ها را اصلاح نمی‌کند و اگر نادان‌ها و جاهلین نیز به آن‌ها ریاست کنند، مثل این است که سرپرست (فرمانده) ندارند (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۲۰۲).

شهید مطهری معتقد است: «نیاز به مدیریت انسان‌ها بیش از حیوانات است. گله‌گوسفند اداره‌اش با یک چوپان بی‌سواد است که مراتع را بشناسد، آبخورها را بشناسد، مانع تفرق شود، مانع گرگ شود...، اما گوسفند، دنیای مرموز روحی ندارد، نیروهای سرگردان ذخیره شده و قوانین پیچیده روحی که لازم است شناخته شود، ندارد. گوسفند خلیفه‌الله و مظهر اسماء و صفات الهی و دارای احسن تقویم نیست. به همین دلیل، بیش از آنچه گوسفند نیازمند به چوپان است، نیازمند به رهبر است و بیش از تفاوت سطحی چوپان و گوسفند، تفاوت سطحی رهبر انسان با خود انسان لازم است؛ یعنی، راهنمایان و رهبران الهی... رهبری و مدیریت خود مستلزم نوعی از رشد است؛ زیرا رهبری در حقیقت عبارت است از بسیج کردن نیروی انسان‌ها و بهره‌برداری صحیح از نیروهای انسانی. (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۳: ۳۱۴)

ایشان ریشه تفاوت انسان و حیوان را از نظر نیاز به فرماندهی چنین تشریح می‌کنند که: انسان با اینکه از جنس حیوان است، از نظر مجهز بودن به غرایز با حیوان تفاوت دارد، یعنی ضعیف‌تر از حیوان است. حیوانات به یک سلسله غرایز مجهز هستند و نیاز چندانی به فرماندهی از خارج ندارند، زیرا غریزه کارش راهنمایی و رهبری به صورت خودکار است. مورچه به سلسله غرایزی مجهز است که به طور خودکار و اتوماتیک وی را در زندگی رهبری می‌کند. انسان با اینکه از نظر نیروها مجهزترین موجودات است و اگر بنا بود با غریزه رهبری شود می‌بایست صد برابر حیوانات مجهز به غرایز باشد، در عین حال از نظر غرایزی که او را از داخل خود هدایت و رهبری کنند، فقیرترین و

ناتوان‌ترین موجود است؛ لهذا به رهبری، مدیریت و هدایت از خارج نیاز دارد. این همان اصلی است که مبنا و فلسفه بعثت انبیاء است و هنگامی که فلسفه بعثت انبیاء را مورد بحث قرار می‌دهیم متکی به اصل نیاز بشر به راهنمایی و رهبری هستیم؛ یعنی بشر موجودی است مجهز به ذخایر و منابع قدرت بی‌شمار و در عین حال در ذات خود فوق‌العاده بی‌خبر و سرگردان و خود از ذخایر و منابع وجود خود ناآگاه، نه می‌داند که چه دارد و نه می‌داند که چگونه آن‌ها را رهبری کند و مورد بهره‌برداری قرار دهد؛ لهذا نیازمند است که رهبری گردد، راه به او نشان داده شود و نیروهایش سامان یابد و سازمان پیدا کند؛ باید او را آزاد کرد و به حرکت آورد. (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۳: ۳۲۱).

در سیستم نظامی، حتی زمانی که عده‌ای از نظامیان در اسارت دشمن در می‌آیند، در طول مدت اسارت نیز به تشکیلات فرماندهی و سلسله‌مراتب پایبند هستند. در کتاب شب‌های بی‌مهتاب که خاطرات سرهنگ آزاده شهاب‌الدین شهبازی در طول دوران اسارت در اردوگاه‌های بعثی عراقی به رشته تحریر درآمده است چنین می‌خوانیم: «... در داخل اردوگاه دو تشکیلات حاکم بود: یکی تشکیلات عراقی‌ها که تحت مدیریت و مسئولیت ارشد نظامی اردوگاه قرار داشت. در زیرمجموعه این تشکیلات، اسیران حاضر در هر یک از شش آسایشگاه با توجه به مختصات و مقیاس‌های نظامی و فکری خود، ارشدی برای خود انتخاب می‌کردند که هماهنگ‌کننده و رابط بین افراد اتاق با ارشد اردوگاه بود. در طول مدت هفت سال و اندی حضور ما در شهر تکریت عراق سرهنگ مدارایی و چند نفر در دوره‌های مختلف به ارشدیت اردوگاه برگزیده شدند...» (شهبازی، ۱۳۸۶: ۱۴۹).

وحدت فرماندهی در سلسله‌مراتب

یکی از اصول مهم نظامی‌گری، وحدت فرماندهی است و معنای آن به کارگیری کلیه نیروها تحت فرماندهی واحد است، به عبارت دیگر، ایجاد یگانگی در امر فرماندهی به هنگام انجام مأموریت‌ها، جهت هماهنگ کردن کلیه فعالیت‌ها به سمت

مشخص به منظور رسیدن به هدف یا اهداف از پیش تعیین شده را «وحدت فرماندهی» گویند. از وحدت فرماندهی دو منظور کلی استنباط می‌شود، یکی همکاری و تعاون کلیه نیروها و وحدت تلاش هماهنگ شده آنان به سوی هدفی مشترک و دیگری این که در هر سطح یا رده فرماندهی فقط یک فرمانده با اختیار لازم منصوب گردد سون تزو^۱ در بیان اهمیت و نقش آفرینی اصل وحدت فرماندهی می‌گوید: اگر همه لشکر تحت فرمان فرماندهی واحدی باشد و در کارزار افسران و افراد به بهترین وجه از خود مایه بگذارند، برای مقاومت در برابر چنین لشکری، هیچ دشمنی کافی و نیرومند نیست و به هنگام حمله‌اش، هیچ آرایشی استوار نمی‌ماند (جمالی و رستمی، ۱۳۸۱: ۲۸).

وحدت فرماندهی در گذر تاریخ و در فراز و نشیب پیکارهای نظامی، مراحل مختلفی را طی کرده است. در دوران اولیه پیدایش نظام‌های اجتماعی و در عصر باستان، این اصل با توجه به بافت اجتماعی آن روز یعنی نظام قبیله‌ای، رعایت می‌شد؛ بدین نحو که در جنگ‌ها افراد هر قبیله فقط از رئیس قبیله خود اطاعت می‌کردند و دستورات او به عنوان فرمانده، فقط در قبیله و طایفه خودش اعتبار داشت و تمامی فرماندهان قبایل نیز از فرماندهی کل قبیله‌ها پیروی می‌کردند و این امر سبب تمرکز و وحدت فرماندهی در جنگ می‌گردید.

به طور کلی وحدت فرماندهی، در ایجاد هماهنگی بین نیروها، اتحاد و یگانگی، صفا و صمیمیت و همسو کردن تلاش‌های متفرقه آنان و... نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و هر یک از موارد یاد شده در پیشرفت امور نظامی و رسیدن به اهداف بسیار مؤثر است.

البته داشتن قدرت فرماندهی به دارنده آن چیزی بیشتر از اینکه وی نوکر و مستخدم جامعه است نمی‌دهد که از طریق او این قدرت به مرحله اجرا در می‌آید

(لارنس، ۱۳۹۵، ج ۲: ۶۴۳).

اطاعت مادون از مافوق در سلسله‌مراتب

فرماندهی و فرمان‌برداری مکمل و لازم و ملزوم یکدیگرند و تا فرمانبر نباشد، فرماندهی معنا پیدا نمی‌کند و لازمه وجود فرمانبران خوب و قابل انعطاف وجود فرمانده ای است که فرمانبر باشد. سرپیچی از اوامر فرماندهی در جنگ احد درس خوبی برای پیامد نافرمانی است؛ و نتایجی که در این جنگ به بار آمد، کافی است به مردم درسی بدهد که هرگز مانند آن را تکرار نکنند (بینش، ۱۳۷۸: ۱۷۶).

اطاعت در ساختار نیروهای مسلح اسلامی در واقع اطاعت از ولی امر مسلمین و اوامر الهی است و یکی از حقوق فرماندهی محسوب می‌گردد و البته در گرو آن است که ابتدا فرمانده وظایف خویش را در قبال فرمانبران انجام دهد و سپس از فرمانبران انتظار داشته باشد که حق اطاعت را ادا نمایند.

در قرآن مجید، در سوره نساء، آیه ۵ فرمان می‌دهد که از خدا و رسول او و نیز «اولی الامر» اطاعت کنید. آمده است. اگر از تفسیری که در برخی از منابع اهل سنت آمده و در آن، منظور از «اولی الامر»، فرماندهان لشکر اسلام دانسته شده‌اند، صرف نظر کنیم، در منابع تفسیری شیعه به دلیل اطلاق وجوب اطاعت، منظور از «اولی الامر»، معصومین علیهم‌السلام دانسته شده‌اند که اطاعت ایشان بدون قید و شرط واجب و ضروری است. حال چنان که اطاعت از فرمان‌ها فقیه جامع‌الشرایط را به حکم روایت معروف به مقبوله عمر بن حنظله، یکی از موارد اطاعت از ائمه معصومین علیهم‌السلام بدانیم و اطاعت از دستورات فرماندهان، رؤسا و مدیران مافوق منصوب با واسطه فقیه جامع‌الشرایط را از مصادیق اطاعت از او بینگاریم، به این نتیجه می‌رسیم که اطاعت از ایشان امری لازم و ضروری است و تخلف از آن جایز نیست (فرازی، ۱۳۸۵: ۵۱).

در نامه امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام به یکی از فرماندهان نظامی - که برخی نوشته‌اند عثمان بن حنیف بوده است - آمده است: **فَأَنْهَدْ بِمَنْ أَطَاعَكَ إِلَى مَنْ عَصَاكَ وَاسْتَعْنِ**

بِمَنْ أَنْقَادَ مَعَكَ عَمَّنْ تَقَاعَسَ عَنْكَ فَإِنَّ الْمُتَكَارِهَ مَغِيبُهُ خَيْرٌ مِنْ مَشْهَدِهِ وَ قُعُودُهُ أَعْنَى مِنْ نُهُوضِهِ؛ و از آنان که فرمان می‌برند، برای سرکوب آنها که از یاری تو سرباز می‌زنند مدد گیر، زیرا آن کس که از جنگ کراهت دارد بهتر است که شرکت نداشته باشد و شرکت نکردنش از یاری دادن اجباری بهتر است (دشتی، ۱۳۸۰، نامه ۵: ۴۸۵). آن حضرت در نهج البلاغه، راز پیروزی دشمنان را به یارانش این چنین برملا می‌کند که: هَؤُلَاءِ الْقَوْمُ عَلَيْكُمْ لَيْسَ لَانْتَهُمُ أَوْلَى بِالْحَقِّ مِنْكُمْ وَ لَكِنْ لِإِسْرَاعِهِمْ إِلَيَّ [بِاطْلِهِمْ] بِاطِلِ صَاحِبِهِمْ؛ شامیان بر شما پیروز خواهند شد، نه از آن رو که از شما به حق سزاوارترند، بلکه در راه باطلی که زمامدارشان می‌رود، شتابان فرمان بردارند (دشتی، ۱۳۸۰، خطبه ۹۷: ۱۸۱).

به همین خاطر همواره از زیردستان خود می‌خواست که: فَاسْمَعُوا قَوْلِي وَ عُوا مَنْطِقِي؛ پس به سخن من گوش فرا دهید و منطق مرا دریابید (دشتی، ۱۳۸۰، خطبه ۱۳۹: ۲۵۹) و هشدار می‌داد که: أَيُّهَا النَّاسُ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي وَ لَا يَسْتَهْوِيَنَّكُمْ عِصْيَانِي وَ لَا تَتَرَامَوْا بِالْأَبْصَارِ عِنْدَ مَا تَسْمَعُونَهُ مِنِّي؛ ای مردم! دشمنی و مخالفت با من، شما را تا مرز گناه نراند و نافرمانی از من شما را به پیروی از هوای نفس نکشاند و به هنگام شنیدن سخن من، به گوشه چشم، یکدیگر را ننگرید (دشتی، ۱۳۸۰، خطبه ۱۰۰: ۱۸۹)، چرا که: اِذَا قَلَّتِ الطَّاعَاتُ كَثُرَتِ السَّيِّئَاتُ؛ هرگاه کم شود اطاعات، بسیار شود گناهان (خوانساری، ۱۳۶۲، ج ۳: ۱۲۸).

مقام معظم رهبری چرائی اطاعت‌پذیری را حاصل حکم عقل و شرع و تجربه می‌دانند: اطاعت از دستور فرمانده، واجب است؛ حکم عقل و شرع و تجربه است.^۱ امام علیه‌السلام فرجام منش اطاعت‌ناپذیری و نافرمانی را این‌گونه برای یاران خویش ترسیم می‌کند: فَإِنَّ مَعْصِيَةَ النَّاصِحِ الشَّفِيقِ الْعَالِمِ الْمُجْرَبِ تُورِثُ الْحَسْرَةَ وَ تُعَقِّبُ

النَّدَامَةُ؛ بدانید که نافرمانی از دستور نصیحت‌کننده مهربان دانا و با تجربه، مایه حسرت و سرگردانی و سرانجامش پشیمانی است (دشتی، ۱۳۸۰، خطبه ۳۵: ۹۱).

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص اسْمَعُوا وَأَطِيعُوا لِمَنْ وَكَلَهُ اللَّهُ الْأَمْرَ فَإِنَّهُ نِظَامُ الْإِسْلَامِ (شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق: ۱۴)؛

از حاکمان الهی اطاعت کنید و گوش به فرمان باشید؛ زیرا اطاعت از رهبر مایه نظم در امت اسلامی است؛ و در غیر این صورت؛ الْأُمُورُ الْمُتَنَظِّمَةُ يُفْسِدُهَا الْخِلَافُ، کارهای منظم و منضبط به سبب مخالفت و خلافت‌کاری تباه می‌شود. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۶۷).

فرمانده برای به وجود آوردن انضباط در یک سازمان لازم است خودش از این لحاظ نمونه باشد. یگانی که شما فرمانده آن هستید فقط قسمتی از یک سازمان بزرگ‌تر و یا ارتش است؛ پس باید مأموریت‌هایی را که طبق دستور فرماندهان بالادست به شما ابلاغ می‌گردد به مرحله اجرا در آورید (لارنس، ۱۳۹۵: ۵۱).

یکی دیگر از فلسفه‌های اطاعت، حرمت‌گذاری و تواضع برای مافوقی است که صاحب تجربه و علم است. رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: مَنْ عَلَّمَ أَحَدًا مَسَاءَ لَهٗ مَلَكٌ رَقَّةً، قیل: اءِیْبِیْعُهُ وَیَشْتَرِیْهِ؟ قال صلی الله علیه و آله و سلم: لا بَلْ یَاءُمُرُهُ وَ یَنْهَاهُ. «اگر کسی به دیگری یک مسائله بیاموزد، یا سخنی از یک علم به او بیاموزد، مالک او خواهد بود. راوی سؤال کرد: آیا مالکیت او به نحوی است که می‌توان او را خرید و فروش کرد؟ حضرت فرمودند: خیر، بلکه می‌تواند بر او امر و نهی کند».

پیشینه پژوهش

تحقیقات گوناگونی در حوزه آموزش‌های نظامی انجام گرفته که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

عباسیان (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی رویکرد سبک مدارانه به فرایند آموزش و یادگیری (مقایسه بافت‌های نظامی و غیرنظامی از منظر آموزش و یادگیری)» به

مقایسه سبک‌های یادگیری دانشجویان و روش تدریس اساتید در دانشگاه‌های نظامی و غیرنظامی پرداخت. یافته‌های وی نشان از عدم تأثیر بافت‌های محیطی در سبک‌های یادگیری و تدریس بود.

دانش فرد و ذاکری (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر دوره‌های آموزش نظامی بر توانمندسازی روان‌شناختی سربازان تحت آموزش نزاچا» به نقش آموزش‌های عمومی نظامی در دوران سربازی و تأثیر آن‌ها بر توانمندسازی روان‌شناختی کارکنان وظیفه پرداخته‌اند. یافته‌های حاصله از این تحقیق بیانگر آن بود که آموزش‌های عمومی دوران خدمت سربازی بر اعتماد به نفس و شایستگی نمونه مورد مطالعه تأثیر داشته است.

رضایی (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان «بررسی میزان اثربخشی برنامه درسی رسته انتظامی از دیدگاه دانش‌آموختگان این رسته در سال‌های ۹۰ تا ۸۵» به بررسی میزان کاربردی بودن آموزش‌های عمومی و اختصاصی در رسته انتظامی پرداخته است. یافته‌های این محقق بیانگر آن بود که کلیه آموزش‌های عمومی ارائه‌شده به دانشجویان با مأموریت‌های محوله ناجا منطبق بوده و آموزش‌های تخصصی رسته انتظامی نیز کاملاً با مأموریت‌های محوله سازگاری دارد.

ملکی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «تأثیر دوره آموزش نظامی بر ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان نظامی» به بررسی اثربخشی آموزش‌های ارائه شده بر ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان غیر ورزشکار پرداخته است. تحقیق یاد شده با استفاده از روش توصیفی - همبستگی بر روی تعداد ۱۰۵ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های افسری ایران انجام شده است. یافته‌های محققین حاکی از آن بود که آموزش‌های نظامی بر چهار صفت شخصیتی مورد بررسی تأثیر مثبت و معنی‌دار داشته و سبب

افزایش اعتماد به نفس، برتری‌جویی، برون‌گرایی و کاهش میل عصبی بودن در نمونه مورد مطالعه داشته است.

معمار زاده و موسوی (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای با عنوان «تدوین راهبرد آموزش عالی در سازمان‌های نظامی» به بررسی اهداف و فلسفه آموزش‌های عالی نظامی پرداخته و با تاکید بر اهداف عالی نظامی مدلی جهت تدوین اهداف بلندمدت و راهبردی آموزش عالی در سازمان‌های نظامی ارائه نموده‌اند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با روش تحلیل محتوای کیفی ۱ برای تحلیل و تفسیر داده‌های متنی (مصاحبه‌ها) انجام شده است. این روش امکان دستیابی به شناخت گسترده و عمیق در یک قلمرو یا موضوع خاص را فراهم می‌آورد (اگرگک^۲، ۲۰۰۸، هویلس^۳، ۲۰۰۹). جامعه آماری تحقیق شامل تعداد ۱۶ نفر از نخبگان نیروهای مسلح بوده که به صورت تمام شمار و با روش گلوله برفی جهت پاسخ به سؤالات انتخاب گردیدند.

در اینجا نیز در گام نخست از مصاحبه‌های به عمل آمده با استفاده از کدگذاری باز به روش جمله به جمله بهره‌گیری شد و در این چارچوب جملات بر اساس محتوای کلیدی مطرح شده در آن‌ها دسته‌بندی شدند. سرانجام پس از حذف مقوله‌های دارای مضامین و معانی یکسان و همچنین ادغام مقوله‌های هم‌سنخ و همسو، گزاره‌های اصلی موجود در حوزه فلسفه آموزش سلسله‌مراتب نظامی مورد توجه قرار گرفته است. در جدول (۱) سؤالات مورد نظر ارائه شده است.

-
1. Qualitative content analysis
 2. Egberg
 3. Howells

جدول ۱- سؤالات چرایی سلسله‌مراتب و اطاعت‌پذیری در آموزش‌های نظامی

سلسله‌مراتب نظامی		
ردیف	آموزش	چرایی
۱	چرا سلسله‌مراتب؟	
۲	چرا فرمانده	
۳	چرا وحدت فرماندهی	
۴	چرا اطاعت مادون از مافوق	

جهت روایی و پایایی، در مصاحبه‌هایی که لازمه جمع‌آوری داده‌ها در تحقیقات کیفی هستند، سؤالات و نتایج حاصل از مصاحبه‌ها به شیوه زاویه‌بندی (مثلث‌سازی) از نظر روایی و اعتبار بررسی می‌شوند. بدین طریق که در تحقیقات حاضر کدهای حاصله از مصاحبه‌ها با استفاده از نظرات چند تن از متخصصان و صاحب‌نظران حوزه علوم تربیتی در دانشگاه علوم انتظامی انطباق‌سازی و سپس با مراجعه به منابع و متون تربیتی و مبانی نظری پژوهش اعتبار و روایی آن‌ها تأیید گردید.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

در جدول (۲) ویژگی افراد شرکت‌کننده در مصاحبه از نظر شغل سازمانی، درجه، مدرک و سابقه خدمت ارائه شده است.

جدول ۲- مشخصات مصاحبه‌شوندگان

ردیف	سمت مصاحبه‌شونده	درجه	مدرک	سابقه خدمت (سال)
۱	رئیس گروه منابع انسانی و سامانه‌های علمی آموزشی مرکز راهبردی آجا	سرتیپ دوم	دکتری	۳۶
۲	استاد دانشگاه علوم انتظامی امین	سرتیپ دوم بازنشسته	فوق لیسانس	۳۸
۳	استاد دانشگاه علوم انتظامی امین	سرتیپ دوم بازنشسته	فوق لیسانس	۳۴

۴	فرمانده مرکز آموزش شهید چمران ناجا	سر تیپ دوم	دانشجوی دکتری	۳۱
۵	معاون پژوهشی دانشگاه امام علی علیه‌السلام	سرهنگ	فوق لیسانس	۲۹
۶	استاد دانشگاه علوم انتظامی امین	سرهنگ بازنشسته	فوق لیسانس	۳۱
۷	فرمانده تیپ دانشجویی دانشگاه امام علی علیه‌السلام	سرهنگ دوم	فوق لیسانس	۲۶
۸	فرمانده تیپ دانشجویی دانشگاه علوم انتظامی امین	سرهنگ دوم	دانشجوی دکتری	۲۲
۹	فرمانده تیپ دانشجویی دانشگاه علوم انتظامی امین	سرهنگ دوم	فوق لیسانس	۲۳
۱۰	فرمانده گردان دانشجویی دانشگاه امام علی علیه‌السلام	سرگرد	لیسانس	۱۹
۱۱	فرمانده گردان دانشجویی دانشگاه علوم انتظامی امین	سرگرد	فوق لیسانس	۱۹
۱۲	فرمانده گردان دانشجویی دانشگاه علوم انتظامی امین	سرگرد	دانشجوی کارشناسی ارشد	۱۹
۱۳	فرمانده گروهان دانشجویی دانشگاه امام علی علیه‌السلام	سروان	دیپلم	۱۶
۱۴	فرمانده گروهان دانشجویی دانشگاه علوم انتظامی امین	سروان	فوق دیپلم	۱۶
۱۵	فرمانده گروهان دانشجویی	ستوانیکم	دیپلم	۱۵
۱۶	فرمانده گروهان دانشجویی دانشگاه علوم انتظامی امین	ستوانیکم	فوق دیپلم	۱۱

یافته‌های استنباطی

آنچه از مقوله فلسفه سلسله‌مراتب و اطاعت‌پذیری در آموزش‌های نظامی در رابطه با اهداف تحقیق مهم بوده و در مصاحبه‌های به عمل آمده ارائه شده است کدگذاری شده و در جدول شماره (۳) آمده است.

جدول ۳- چرایی سلسله‌مراتب و اطاعت‌پذیری در آموزش‌های نظامی

موضوع / تم	محتوای کلیدی	گزاره اصلی (برگرفته از مصاحبه)
چرایی سلسله‌مراتب و اطاعت‌پذیری در آموزش‌های نظامی	هماهنگی با موازین اسلامی	سلسله‌مراتب نظامی با روح موازین اسلامی سازگار است و اگر نیروهای مسلح از سلسله‌مراتب اطاعت می‌کنند، با الهام از دستور دین و ایمان قلبی آن‌هاست.
	سلوک مادون و مافوق	یکی از فلسفه‌های سلسله‌مراتب «آزمایش و امتحان» است تا بر اساس ضوابط وضع شده نحوه سلوک مادون و مافوق تعریف شود.
	تمرین شایستگی	یکی از کارکردهای سلسله‌مراتب این است که هر فرد فرودست از فرادست خود بیاموزد تا به تدریج شایستگی قرار گرفتن در جای او را بیابد.
	مسیر اجرایی فرمان‌ها و دستورات	در سلسله‌مراتب فرماندهی زمینه‌ی انتخاب کانال‌های مناسب از سوی فرماندهان برای صدور فرمان‌ها و دستورات مدنظر قرار می‌گیرد.
	امکان نظارت فرماندهان	سلسله‌مراتب امکان نظارت مداوم فرماندهان را بر اجرای مقررات فراهم می‌کند.
	کارایی یگان	سلسله‌مراتب باعث می‌شود کارایی و آمادگی یگان در هر زمان موردسنجش قرار گیرد.
	تمایز بین جایگاه و مسئولیت افراد	سلسله‌مراتب تمایز بین جایگاه و مسئولیت افراد را فراهم می‌آورد.
	زمینه نظم‌خواهی و نظم‌پذیری	سلسله‌مراتب زمینه نظم‌خواهی و نظم‌پذیری در یگان را فراهم می‌کند.
	نظام پاسخگویی و انجام وظیفه	نظام پاسخگویی و انجام وظیفه جز در سایه وجود سلسله‌مراتب امکان‌پذیر نیست.
	ضرورت فرماندهی	جز با وجود فرمانده نمی‌توان به پیشبرد اهداف سازمانی دست یافت.
فرماندهی محور قدرت و	فرماندهی مولد قدرت و تکیه‌گاه یگان و نیروهاست.	

	تکیه‌گاه نیروها	
	زمینه‌ساز رشد و تعالی	
اطاعت از فرمانده (سلسله‌مراتب) زمینه‌ساز رشد و تعالی یگان است.	نیروها	

بحث و نتیجه‌گیری

سلسله‌مراتب فرماندهی، اساسی‌ترین و مهم‌ترین تکنیک سازمانی است که نظامیان استفاده می‌کنند و در آن با ابلاغ فرمان‌ها و دستورات از مافوق به زیردست، مقاصد فرماندهی اعمال می‌گردد. اصل سلسله‌مراتب، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران از بالاترین مقام تا پایین‌ترین رده به وسیله فرماندهان، رؤسا یا مدیران که از طرف مقام معظم فرماندهی کل قوا، فرماندهی یا ریاست یا مدیریت دارند، مانند حلقه‌های زنجیر به هم پیوسته هستند که در اصطلاح آن را سلسله‌مراتب می‌گویند (آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح ماده ۲). ترتیب منظم پست‌ها در یک سازمان به نحوی که هر چه به سمت بالا برویم میزان مسئولیت‌ها و اختیارات افزایش یابد، بر مبنای این اصل است که ساختار هرمی شکل سازمان‌ها پدید می‌آید (زاهدی، ۱۳۷۶: ۱۵۱). دفتر واژه‌گزینی نظامی ستاد کل نیروهای مسلح نیز سلسله‌مراتب فرماندهی را توالی سطوح مختلف فرماندهی که در آن فرمان‌ها و اطلاعات از بالاترین مقام در سلسله‌مراتب سازمانی به رده‌های پایین انتقال می‌یابد تعریف می‌کنند (دفتر واژه‌گزینی ستاد کل، ۱۳۹۲: ۱۶۴).

فرهنگ اصطلاحات مدیریت منابع انسانی سلسله‌مراتب را هرگونه ساختار سازمانی که دارای سطوح مختلفی از اقتدار و اغلب مسئولیت باشد و همچنین ترتیب امور در سطوح متوالی به گونه‌ای که هر یک شامل سطوح پیشین است تعریف می‌کند (جی استون، ترجمه افراز و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۲۸). یافته‌های این تحقیق با یافته‌های معمار زاده و موسوی (۱۳۸۸) مطابقت دارد؛ نامبردگان در تحقیق خود با اشاره به فلسفه آموزش‌های عالی در دانشگاه‌های نیروهای مسلح، دسترسی به اهداف پیشینی آموزه‌های نظامی را مقدمه‌ای برای تدوین اهداف عالی نظامی دانسته‌اند. همچنین نتایج به

دست آمده با یافته‌های رضایی (۱۳۸۸) در مورد تطابق برنامه‌های آموزشی دانشگاه علوم انتظامی با مأموریت‌های محوله ناجا و تأکید بر فلسفه این آموزش‌ها همخوانی دارد.

پیشنهادها

۱- نتایج این تحقیق و تحقیقات مشابه به طور گسترده و در حوزه آموزش عالی نیروهای مسلح منتشر گردد تا دستاوردهای آن ضمن بهره‌برداری زمینه و روزنه‌ای برای بهبود و اصلاح آموزش‌های موجود باشد

۲- فلسفه هر یک از این آموزش‌ها به طور مستقل در قالب کتابچه برای کلیه دوره‌های ورودی تهیه و در اختیار قرار گیرد.

۳- نسبت به تشکیل و اجرای کارگاه‌های آموزشی برای کلیه فرماندهان مراکز آموزش و دانشگاه‌های نیروهای مسلح در خصوص توجیه یافته‌های تحقیق اقدام لازم به عمل آید.

۴- مراکز راهبردی در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در خصوص یافته‌های به دست آمده نسبت به تشکیل میزگردهای علمی و هیئت‌های اندیشه ورزی با دعوت از کارشناسان و صاحب‌نظران، زمینه تبادل نظر و تئوری پردازی محققین و بسط و توسعه یافته‌های پژوهش حاضر را فراهم آورند

تقدیر و سپاسگزاری

بر خود لازم می‌دانیم از کلیه همکاران عزیزی که به هر نحوی در انجام این تحقیق ما را یاری رساندند و به ویژه مشارکت کنندگان در مصاحبه و عوامل محترم پژوهش دانشگاه علوم انتظامی امین تقدیر و تشکر نماییم.

منابع

۱. ابن بی‌الحدید معتزلی، عبد الحمید. (۱۴۰۴ ق)، شرح نهج البلاغه، ج ۱، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۲. امیری، اکبر. (۱۳۹۵). تاریخ اجتماعی ایران در عصر ساسانیان، مشهد: محقق.
۳. آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح ماده ۲.
۴. الهی قمش‌های، مهدی. (۱۳۹۱). ترجمه قرآن کریم، تهران: قلم و اندیشه.
۵. بحرانی، مرتضی. (۱۳۹۴). فارابی و منفعت عمومی، نظریه غیر ایده‌آل، مجموعه مقالات فردگرایی و جمع‌گرایی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۶. بهشتی، محمد. (۱۳۹۳). شرح نهج البلاغه، تهران: تابان
۷. بیانات مقام معظم رهبری (۱۳۶۱). در جمع فرماندهان و مدیران عالی‌رتبه نیروهای مسلح در خصوص لزوم نظم و انضباط در بین کارکنان نظامی
۸. بیانات مقام معظم رهبری (۱۳۶۸). در جمع فرماندهان و مدیران عالی‌رتبه نیروهای مسلح در خصوص رعایت انضباط کارکنان نظامی.
۹. بیانات مقام معظم رهبری (۱۳۶۹). در جمع فرماندهان و مدیران عالی‌رتبه نیروهای مسلح در خصوص توجه فرماندهان به وضعیت ظاهری کارکنان
۱۰. بیانات مقام معظم رهبری (۱۳۸۵). در جمع فرماندهان و مدیران عالی‌رتبه نیروهای مسلح در خصوص لزوم نظم و انضباط
۱۱. بینش، عبدالحسین. (۱۳۷۸). شیوه فرماندهی پیامبر، تهران: تحقیقات سپاه.
۱۲. پاینده، مهران (۱۳۸۱). اطاعت از آتوریت، تهران: اختران.
۱۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و درر الکلم (۱۴۱۰). محقق و مصحح: رجائی، سید مهدی، قم: دارالکتاب الاسلامی.
۱۴. توضیح المسائل مراجع. (۱۳۸۶)، قم: نشر انتشارات اسلامی.
۱۵. جمشیدی، محمدحسین. (۱۳۸۳). مبانی و تاریخ اندیشه نظامی در جهان، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد.

۱۶. جمالی، علی اصغر و رستمی، محمود. (۱۳۸۱). تاریخ نظامی جهان و هنر جنگ، تهران، دانشگاه امام علی علیه السلام.
۱۷. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۳۸۶). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ویراستار: عبدالرحیم ربانی شیرازی، قم: کتابچی.
۱۸. خوانساری، جمال‌الدین محمد (۱۳۶۲). شرح غررالحکم، قم: بنیاد نهج البلاغه.
۱۹. دیلمی، حسن بن محمد. (۱۴۱۲ ق). إرشاد القلوب إلی الصواب (للدیلمی)، قم: الشریف الرضی
۲۰. دشتی، علی. (۱۳۸۰) ترجمه نهج البلاغه، قم، نور.
۲۱. دفتر واژه‌گزینی ستاد کل نیروهای مسلح. (۱۳۹۲). فرهنگ واژه‌های نظامی، تهران: انتشارات ستاد کل نیروهای مسلح.
۲۲. دانش فرد، کرم اله؛ ذاکری، محمد. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر دوره‌های آموزش نظامی بر توانمندسازی روان‌شناختی سربازان تحت آموزش نراجا، فصلنامه مدیریت نظامی، ۱۲(۴۹): ۶۱-۴۳. قابل بازیابی از <https://www.sid.ir/fa/journal/195181>
۲۳. رضایی، صادق. (۱۳۹۱). بررسی میزان اثربخشی برنامه درسی رسته انتظامی از دیدگاه دانش‌آموختگان این رسته در سال‌های ۹۰ تا ۸۵، فصلنامه توسعه مدیریت و منابع پشتیبانی، ۷(۲۴): ۱۵۴-۱۳۹. قابل بازیابی از <https://www.sid.ir/Fa/Journal/192856>
۲۴. زاهدی، شمس‌السادات؛ الوانی، سیدمهدی؛ فقیهی، ابوالحسین. (۱۳۷۶). فرهنگ جامع مدیریت. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
۲۵. شهبازی، شهاب‌الدین. (۱۳۸۶). شب‌های بی مهتاب، تهران: سوره مهر.
۲۶. عباسیان، غلامرضا. (۱۳۹۱). بررسی رویکرد سبک‌مدارانه به فرایند آموزش و یادگیری (مقایسه بافت‌های نظامی و غیرنظامی از منظر آموزش و یادگیری زبان‌های خارجی)، فصلنامه مدیریت نظامی، ۱۲(۴۷): ۹۴-۷۱. قابل بازیابی از <https://www.sid.ir/fa/journal/194844>
۲۷. فرازی، ناصر. (۱۳۸۵). تاریخ تحول هنر و صنعت رنگ در ایران و جهان. تهران: هنر.

۲۸. قاضی زاده فرد، سیدضیال‌الدین؛ نادری خورشیدی، علیرضا؛ احمدوند، علی محمد؛ جلالی کوتنایی، فیض اله. (۱۳۹۴). ارائه الگوی مدیریت راهبردی تربیت و آموزش در دانشگاه‌های نیروهای مسلح کشور، فصلنامه راهبرد دفاعی، ۱۳ (۴۹): ۷۷-۳۳. قابل بازیابی از

<https://www.sid.ir/fa/Journal/۲۹۳۹۳۹>

۲۹. قرشی، علی اکبر. (۱۳۷۱). قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۳۰. کریمی، روح اله؛ رضایی، صادق. (۱۳۹۶). نظام چرا دارد، تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی امین.

۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ق). الکافی، تصحیح غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران: دار الکتب الإسلامية.

۳۲. لارنس، کراکر. (۱۳۹۵). راهنمای افسران ارتش آمریکا، ترجمه اداره کل منابع و متون درسی معاونت تربیت و آموزش ناجا، تهران: انتشارات معاونت تربیت و آموزش ناجا
۳۳. مجلسی، محمدباقر. (۱۳۶۵). بحارالانوار (آداب و سنن)، ج ۱۶، ترجمه کمره‌ای، محمدباقر، تهران: ناشر اسلامی،

۳۴. معمارزاده، غلامرضا؛ موسوی، سیدعبدالرحیم (۱۳۸۸). تدوین راهبرد آموزش عالی در سازمان های نظامی، فصلنامه دفاعی استراتژیک، ۱ (۳۷): ۱۵-۱. قابل بازیابی از

<https://www.sid.ir/Fa/Journal/۲۳۳۳۴۴>

۳۵. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامية.

۳۶. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۸). ختم نبوت، قم: انتشارات صدرا.

۳۷. ملکی، بهنام و همکاران. (۱۳۹۰). تاثیر دوره آموزش نظامی بر ویژگی های شخصیتی دانشجویان نظامی. فصلنامه طب نظامی، ۱۳ (۴): ۲۰۰-۱۹۵. قابل بازیابی از

<http://militarymedj.ir/article۸۵۷-۱>

۳۸. نادری، محمد؛ کریمی، روح اله. (۱۳۹۱). آسیب‌ها و تهدیدات مدیریت و فرماندهی از دیدگاه اسلام، تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی